



Est.1994

JCL

Journal of the College of Languages

Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal

<http://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279

E-ISSN: 2520-3517

2021, No.(43)

Pg.358 -375

Practical Steps For Literal Translation

Instructor Mahdi Ahmed Hussien

E-mail: malzawy948@gmail.com

Presidency of Diyala University Administrative Affairs Section, Diyala, Iraq.

(Received on 5/7/2020 - Accepted on 22/9/2020 – Published on 2/1/2021)

DOI: <https://doi.org/10.36586/jcl.2.2021.0.43.0358>



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

Abstract

The present paper, practical methods of professional translation, discusses the most important methods to achieve an accurate effective translation from the source language text to the equivalent target language text.

The present study suggests that practical translation like any literary activity is of six main stages that follow sequential order to achieve an accurate translation: (choosing the foreign text to be translated, the author of the text permission, the text translation, considering the title contextual meaning, reviewing the text translation, and finally finding a good publisher).

Keywords: Practical methods, professional translation, book selection, book review, title translation.

گام‌های عملی یک ترجمه حرفه‌ای.

م : مهدی احمد حسین

malzawy948@gmail.com

ریاست دانشگاه دیالی

چکیده

پژوهش حاضر که با عنوان گام‌های عملی یک ترجمه حرفه‌ای يك تلاش فروتنانه به دنبال بررسی و تحلیل گام‌های عملی ترجمه حرفه‌ای است، که هر مترجم برای ارائه یک ترجمه خوب و درست از زبان مبدأ به زبان مقصد باید آن را دنبال کند.

پژوهش از شش مطلب تشکیل یافته است، که مجموع آن گام‌های عملی یک ترجمه حرفه‌ای به شمار می‌روند. از میان مهمترین نتایجی که پژوهشگر به آن رسیده: ترجمه هم مانند هر فعالیت ادبی باید طبق مرحله‌هایی یا با گام‌های مرتب و یکی پس از دیگری انجام شود و گرنه کار کم اهمیت خواهد بود، و گام‌های عملی ترجمه حرفه‌ای عبارتند از: انتخاب کتاب، گرفتن اجازه از صاحب اثر، شروع به ترجمه متن اثر، ترجمه عنوان کتاب، ویرایش و انتخاب ناشر.

وزگان کلیدی : گام‌های عملی، ترجمه حرفه‌ای، انتخاب کتاب، ویرایش، عنوان کتاب.

مقدمه

ترجمه از دیر باز از مهمترین وسایل و ابزارهای ارتباط میان ملت‌ها بحساب می‌آید. برخی از اهل علم، ترجمه را (علم) خوانده، گروهی دیگر آن را (فن)، یا (مهارت) دانسته‌اند. نیز تئوری‌های دیگر در باره تعریف و بیان معنی دقیق به اصطلاح (ترجمه) هم هست. ولی به نظر بنده حرفی که نزدیکتر به صواب این است که آن تلاش جدی برای رساندن معنی اصلی یک متن از زبان مبدأ به زبان مقصد است. از این رو مترجم برای ارائه یک ترجمه مناسب، باید افزون بر دانستن فن ترجمه و مفاهیم متعدد آن، و اکتساب و داشتن مهارت عملی در آن، به دانش ترجمه و قواعد آن نیز آگاه باشد.

بنا بر این می‌توان گفت ترجمه، فنی است که پایه‌های آن بر علم و دانش استوار ساخته شده بود. مساله دیگر که پیوندی شدید با فن ترجمه دارد و آن این است که در عصر حاضر، بعلت کثرت اسفار و به ظهور پیوستن فنون جدید نیازی به ترجمه و اتقان آن امر خیلی ضروری؛ بلکه سبب به برقراری ارتباط زبان‌های گوناگون با یک دیگر شده است. و در

نتیجه، ترجمه و فنون آن گسترش یافت و صورت‌های گوناگون و تازه‌ای از آن پدیدار شده است. شایان ذکر است که کار ترجمه سابقه‌ای دور و درازی در تاریخ انسانیت دارد، ولی بحث و بررسی آن بر طبق روش علمی که در دانشگاهها متبع است نسبتاً جدید است. از این جهت ضروری شد کارشناسان، و زبان‌دانان، و پژوهشگران متخصص، این پدیده را به طور دقیق و عمیق بحث و بررسی کنند.

بنظر بنده، پژوهش حاضر به عنوان دستور العمل برای هر مترجمی که می‌خواهد یک ترجمه خوب و روان و حرفه‌ای ارائه دهد. چون ترجمه مانند هر فعالیت ادبی دیگر باید طبق مرحله‌ها یا با گام‌های مرتب، و یکی پس از دیگری انجام شود، وگرنه کار کم اهمیت و اعتبار خواهد بود. از این جهت بحثمان متضمن پیشگفتار و شش مطلبی که آنها عبارتند از (انتخاب کتاب، گرفتن اجازه مؤلف، شروع به ترجمه متن اثر، فهم و پی بردن دقیق عنوان کتاب، سپس اجرای ویرایش و انتخاب ناشر خوب)، و خاتمه‌ای که متضمن مهمترین نتایجی که بحث بدان رسیده است.

مطلب اول : انتخاب کتاب

انتخاب یک کتاب برای ترجمه کار آسانی نیست، بویژه که روزانه کتاب‌های ارزشمند بسیاری وزیادی در جهان توسط نویسندگان و مؤلفان و عالمان بزرگ تالیف و ارائه می‌شود. البته کتاب‌هایی که شهرت جهانی زیادی یافته‌اند و دارای خوانندگان زیادی در سراسر دنیا مورد توجه مترجمان قرار می‌گیرند. لذا مترجم قبل از شروع به ترجمه هر کتابی که قصد ترجمه آن دارد؛ باید متوجه به دو نکته‌ای عمده‌ای زیر باشد :

الف: موضوع کتاب : مترجم باید کتابی که قصد دارد ترجمه کند در حوزه تخصص دقیق او باشد زیرا همه می‌دانند که هر مترجمی، زمینه یا رشته دلخواهی برای ترجمه دارد. و در غیر این صورت خیلی سخت باشد بلکه محال است که یک مترجم با هر میزان از مهارت زبان‌دانی مبدأ و مقصد، بتواند در بیش از سیصد رشته علمی دانشگاهی که در فرهنگ بشری هست، اقدام به ترجمه کند، یا اگر محال اندیشی کرد، بتواند ترجمه مقبول از نظر صاحب‌نظران هر رشته بدست دهد (خرم‌شاهی، 1391 هـ.ش: 107).

با نظر به عرف فرهنگی، اغلب مترجمان در یک، و حدّ اکثر دو سه رشته می‌توانند ترجمه کنند. البته اگر کسی به واقع دانشمند بسیار دان باشد، و با احراز همه اصول، و شرایط ترجمه فی‌المثل در ادبیات داستانی، نقد ادبی، فلسفه، عرفان، کلام، تاریخ، و یک دو

رشته علمی طبیعی یا اجتماعی مطالعه آکادمیک داشته باشد، منعی برای توفیق او در ترجمه در این رشته‌ها وجود ندارد. ولی با نظر به تجربه، بیش از نود درصد مترجمان، یک رشته‌ای هستند. در وقت حاضر بیشتر علوم و فنون به رشته‌های درونی بسیار تقسیم شده‌اند. از جمله دهها رشته تخصص در پزشکی، و دهها رشته هم در مهندسی داریم. و چنین نیست که فی‌المثل کسی که رشته خود عرفان اسلامی است بتواند با مهارت یکسان عرفان هندویی یا بودایی هم درست از آب در بیاورد. (خرمشاهی، 1391 هـ ش: 107)

کاظم لطفی پور ساعدی مترجم سرشناس ایرانی در باره ترجمه متون تخصصی چنین می‌گوید: ((مترجم متون تخصصی باید به موضوع تخصصی متن مورد ترجمه تا حدودی تسلط داشته باشد و چنین تصور نشود که تنها آشنایی به دانش زبان می‌تواند در این امر مهم کار ساز و یاور وی باشد. مثلاً مترجم متون پزشکی باید لا اقل تا حدودی از اصول زیر بنایی علوم پایه پزشکی آگاهی داشته باشد و مترجم متون شیمی مقداری در باره قواعد و قراردادهای و نحوه ارائه مفاهیم و فرمولهای شیمی اطلاع داشته باشد. علاوه بر این دانش عمومی و زیربنایی، مترجم باید قبل از اقدام به ترجمه متون تخصصی مقداری از متون موجود در باره این شاخه از علوم در زبان مقصد را مورد مطالعه قرار داده و از روشهای متنی رایج در این زبان مطلع بشود، در غیر این صورت حاصل کار وی قابل فهم خوانندگان متون تخصصی مربوطه نخواهد بود و اصطلاحات به کار رفته در آن خود احتیاج به مترجم ثانوی خواهد داشت تا دست انکاران و متخصصین مربوطه آنرا بفهمند)) (ساعدی، 1371 هـ ش: 178).

جاحظ بصری که از زبان دانان و دانشمندان مشهور عراقی است از دیر باز به مسأله تخصص مترجمان سخنی شگف انگیزی را ارائه داد و گفت: ((مترجم باید در آنچه که ترجمه میکند توانا باشد و خویش صاحب همان دانشی باشد که مولف دارد، بدین معنی که در زبان مبدا و مقصد تبحر داشته باشد به قسمتی که هر دو زبان را بیک اندازه و آن هم به غایت بداند هر چه علمی دشوارتر و دانایان به آن کمتر باشند بهمان اندازه کار بر مترجم آن علم مشکلتر میگردد....)) (پورجوادی، 1366 هـ ش: 78) اینجا باید اشاره کرد که مترجمان پیشین از این مسأله غافلگیر نبودند و در حوزه‌ای که کار میکردند، تخصص دارند، حنین بن اسحاق، و یوحنا ابن ماسویه هر دو پزشکان معروفی بودند، در واقع کیفیت بالای ترجمه (حنین) مرهون تخصص او در علم پزشکی میدانند، از این جهت ملاحظه می‌شود که ترجمه‌های حنین در

علوم پزشکی، منطق والهیات بر عکس ترجمه‌های او در علوم ریاضی که مهارتی در آنها نداشت نیاز به اصلاح ندارد (الصفدی، 2003م: 79).

معصومی همدانی که یکی از صاحب نظران ایرانی در باره این مساله می بیند که مترجمی که خود را موظف به فهم منظور کاتب بداند، اگر بر کار ترجمه نیز مسلط باشد، یک گام به طرف مولف شدن برداشته است. (صالح جو، 1377 هـ: 51).

ب: ایا کتاب قبلا ترجمه شده یا نه: مترجم مشکلاتی زیادی دارد. یکی از اینها نگرانی از بابت همکاران رقیب است. بویژه که برخی آثار مترجمان زیادی را به سوی خود می خوانند. اینها البته دو دسته‌اند: برخی پرفروش‌اند و انگیزه مالی در میان است و بعضی چنان‌اند که ترجمه شان مترجم را به جالش می طلبد. (صالح جو، 1323 هـ: 55).

از این جهت مترجم قبل از شروع به ترجمه هر کتابی باید مطمئن شود که قبل از او هیچ مترجمی در همان زبان آن کتاب را ترجمه نکند. اگر کشور مترجم عضو در کپی رایت باشد، و قانونی دارد که بر اساس آن ترجمه چند باره کتاب ممنوع باشد، کار بر مترجم اسان خواهد بود، اما غیر این حالت تشخیص عدم ترجمه قبلی کتاب برای مترجم کار سرسختی خواهد بود. مترجم می تواند با استفاده از نام نویسنده یا عنوان اصلی کتاب در سایت یا مراجعه به مراکز نشر اطمینان نسبی حاصل شود که کتاب هنوز ترجمه شده یا نه. یاد ذکر است که نباید از عنوان ترجمه شده کتاب جستجو کنید؛ چون ممکن است مترجم دیگری آن را با عنوان دیگری ترجمه کرده باشد. مترجم تا زمانی که ترجمه‌اش منتشر نشده است، در خوف و رجا به سر می برد زیرا نگران زودجنبیدن رقیب احتمالی است. معمولا احتمال کمی وجود دارد کتابی که بیش از شش ماه از انتشار آن نگذشته باشد ترجمه شده باشد، ولی این احتمال را رو به افزایش می دهد برای کتاب هایی که بیش از مدت مزبور از انتشار آن گذشته باشد یابکی از جوایز بین المللی از قبیل جایزه نوبل، بوکر، پولیتزر، کاستا، هوگو و غیره از جواز بین المللی گرفتند، چون این دسته از کتاب ها حتما جزو پرفروشترین کتاب‌ها خواهند بود، و عنوان آنها در رسانه‌های مطبوعاتی ذکر می شود، و آمار خوانندگان آنها در جهان بالا برود مترجمان و ناشران به ترجمه و نشر آنها شتاب می زنند، هم از نظر مالی وهم از نظر اعتباری که نامشان پای کتاب برایشان به ارمغان می آورد. ولی آنچه در این میان فراموش میشود این است که در این رقابت کمتر مترجمی به کیفیت ترجمه توجه میکند، چونکه توجه به کیفیت

ترجمه، حتماً از سرعت ترجمه و انتشار کتاب میکاهد و به عقب ماندگی از رقبا منجر میشود. در صورتی که مترجمان باید شامه‌ای قویتر داشته باشند و برای ترجمه کتابها منتظر مقام آوردن آنها نمی شوند، و از تجربیات خود بیشتر سود می جویند و کتابهای ارزشمند را پیش از مشهور شدن رصد میکنند تا زمانی بیشتری برای ارائه ترجمه بهتر از کتاب داشته باشند. بهترین مثالی در این زمینه روزی که ادیب عربی معروف (نجیب محفوظ) برنده جایزه نوبل شد، مترجمان به سوی ترجمه اثرش به همه زبانهای جهان شتاب زدند (امامی، 1985م: 66) و دوران جدید از اقبال خوانندگان و ناشران به آثار ادب عربی آغاز گردید. جایزه نوبل (نجیب محفوظ) به عنوان ضربه‌ای بود که روز بسته ترجمه‌های متوسط و ناشران کوچک را شکست (امامی، 1985م: 66).

مطلب دوم: گرفتن اجازه از صاحب اثر یا از ناشر خارجی کتاب

اگر انتخاب کتاب برای ترجمه به اختیار ناشر بود، گرفتن اجازه از صاحب اثر یا از ناشر خارجی کتاب از تکلیفات او خواهد بود، و در این حال، معمولاً ناشر موفق می شود انحصاراً اجازه ترجمه اثر را به زبان مورد نظر، مثلاً فارسی، دریافت کند، اما اگر به اختیار مترجم بود این تکلیف به عهده مترجم خواهد بود (امامی، 1985م: 117).

در حقیقت وقتی مترجم بدون اطلاع و اجازه صاحب اثری به ترجمه خود می پردازد، ای بسا درهای مساعدت را به روی خود بسته ببیند، چون اگر برای رفع مشکلی در متن به مؤلف کتاب نامه بنویسد، جواب منفی خواهد شنید، در حالی که وقتی ترجمه مجاز باشد، نه تنها صاحب اثر موظف است مشکلات مترجم را رفع کند، بلکه ناشر نیز آماده خواهد بود اصل مواد تصویری کتاب یا نسخه بدل فیلم اُفت آن را در اختیار ناشر ترجمه مجاز قرار دهد تا کیفیت چاپ تصاویر ترجمه نیز در حد چاپ تصاویر اصل کتاب باشد (امامی، 1985م: 117).

مطلب سوم: شروع به ترجمه متن کتاب

پس از آنکه کتاب را مورد علاقه ما را برای ترجمه انتخاب کردیم و مطمئن شدیم که قبلاً ترجمه نشده باشد، و اجازه از صاحب اثر را گرفتیم، نوبت به ترجمه کتاب رسیده است. برای آنکه تصویری کلی نسبت به موضوع متن پیدا کند، حد اقل يك بار آن را بخوانید، چون بدون درک کلی از متن، کار ترجمه با دشواریهای بزرگی در زمینه انتخاب نوع

ترجمه ، و شیوه نگارش، و معادل یابی روبرو می شود. خواندن متن به مترجم کمک می کند از این موارد آگاهی یابد(ناظمیان، 1387هش:12-13):

نوع متن: آیا متن، اطلاعاتی یا توصیفی است؟ سبک متن: آیا سبک متن رسمی یا عادی یا محاوره‌ای است؟

کیفیت و زبان متن: آیا نویسنده احاطه کامل به موضوع داشته است؟

مخاطب متن: مخاطب متن در زبان مبدأ و مخاطب آن در زبان مقصد کیست و در چه سطحی از سواد و تحصیلات قرار دارد؟ یکی از شرایط ترجمه آن است که مترجم، قبل از پرداختن به ترجمه، کتاب را بررسی و مطالعه کند و توان خود را در ترجمه آن بسنجد (صالح جو، 1323هش: 86). سپس روش خود را یا همانطور که بعضی‌ها آن را (طرح ترجمه) نامیده می شوند(اوستینوف، 1390هش: 64)، برای ترجمه انتخاب کند، چون یکی از موضوعات اساسی در مطالعات نظری ترجمه، موضوع روش ترجمه است. روشهای ترجمه را معمولاً به دو نوع کلی لفظ گرا و مقصود گرا تقسیم می کند (خزاعی فر، 1388هش: 61). روش لفظ گرا را با عناوین مختلف (لفظ به لفظ ، لغوی، تحت اللفظی، صوری، نقل به لفظ و آشنا زدا) و روش مقصود گرا با عناوین مختلف (ارتباطی، نقل به معنی ، آزاد ، غرابت زدا) می شناسند. مترجم سرشناس ایرانی کریم امامی در این زمینه می گوید ((اول متن کتاب را به صورت دقیق یا نسبتاً دقیق، به زبان مقصد ترجمه می کنم و با چند بار با حک و اصلاح سعی می کنم به متنی برسیم که در عین نزدیکی به بافت زبان مبدأ، در زبان مقصد هم روان و مفهوم باشد. سپس متن ترجمه شده را کنار می گذارم و به کارهای روزمره خودم می پردازم . چند روز بعد که تأثیر کلامی ترجمه از یادم زوده- شده، دو باره به سراغ آن میروم و از نو آن را می خوانم و در عین حال سعی می کنم لحن متن اصلی را به یاد بیاورم. اگر صدایی که از ترجمه خود میشنوم با آوای نویسنده هموائی باشد دست به آن نمیزنم، اما اگر بر عکس صدایی که از ترجمه خود میشنوم با آوای نویسنده هموائی ندارند، مستقیماً به متن اصلی در ترجمه خود دست می برم و دگرگونی‌هایی می کنم تا بلکه اشکال رفع بشود. این نوع دستکاری منجر به افزودن کلماتی به متن میشود و حالتی را پدید می آورد که زبان شناسان و مترجمان آنرا (over translation) (ترجمه افزوده بر اصل) می خوانند. من آنرا ترجمه (بینا بین) می خوانم ، یعنی چیزی بین ترجمه دقیق و ترجمه آزاد است))(امامی، 1985م: 255-256).

احمد حسن الزیات که از مترجمان سرشناس مصر است و در زمینه ترجمه متون ادبی کار میکرد و آثار متعددی را به زبان عربی ترجمه کرده است در باره روش ترجمه خود چنین می نویسد: ((من اول متن را دقیقاً به همان ترتیبی که در زبان اصلی آمده است، به زبان عربی ترجمه میکنم. و در مرحله دوم بر اساس قوانین صرفی و نحوی ادبیات عربی جمله سازی میکنم، مثلاً بدون اضافه یا کم کردن به چیزی بعضی کلمات را مقدم و بعضی را مؤخر می آورم و بالاخره در مرحله سوم روح و احساس مؤلف را در متن عربی منعکس میسازم و این کار را با آوردن کلمات مناسب ذکر مجازهای متناسب با زبان عربی و ایجاد نظم و هماهنگی در عبارات انجام میدهم، و این مراحل سه گانه را طوری پشت سر مینهم که در پایان کار مطمئن شوم اگر خود مؤلف داستانش را به عربی مینوشت یا شعرش را به عربی می سرود، درست به همین شکل که من آنرا ترجمه کردم مینوشت یا میسرود.)) (حسن، 1376 هـ.ش، : 42).

از این جهت مترجم را به زنبور عسل تشبیه کردند و گفتند: ((از این لحاظ گزافه نیست اگر بگوییم که مثل مترجم مثل زنبور عسل است که روی گل‌های گوناگون می نشیند و شیره آنها را جذب ذرات خود می سازد و آنچه به وجود می آورد از ذات مستقلی برخوردار است، گو اینکه رنگ و بوی مکیده را دارد)) (صالح جو، 1323 هـ.ش: 80-81). سپس مترجم باید متوجه سبک نویسنده باشد، گرچه انتخاب روش ترجمه در اختیار مترجم باشد، اما انتخاب سبک در دست او نیست، چون مترجم ناگزیر است سبک نویسنده را در ترجمه حفظ کند. بویژه که ترجمه نزد بسیاری از زبان دانان و مترجمان عبارتند از: ((بیان مجدد پیامی از زبان مبدا در قالب نزدیکترین معادل طبیعی آن به زبان مقصد با رعایت معنی در وهله اول و رعایت سبک نوشتاری در وهله دوم)) (حسین، بی تا: 29). و مترجم نیز باید در هنگام ترجمه متوجه تفاوت فرهنگی میان زبان مبدأ و مقصد باشد، مثلاً ایرانی‌ها معمولاً شعرهای کلاسیک-شان را در هاله‌ای لاهوتی معنا می کنند. و کمترین کسی در میان ایشان برای کلمات چون: می، ساقی، ساغر، شراب، باده و مستی معنای واقعی (غیر مجازی) قایل هستند. اینها از نظر ایشان معنای مجازی دارند. مثلاً مستی نوعی جذبه روحانی است. اما ایا در فرهنگ‌های دیگر و به ویژه فرهنگ غربی نیز چنین است؟ لزوماً نه. مثلاً، در فرهنگ کنونی غرب می توان این واژه‌ها را در شعر آورد و معنای حقیقی از آنها گرفت (صالح جو، 1323 هـ.ش: 61).

شادروان حسن لاهوتی، ضمن پرداختن به ترجمهء کلمن براین بارکس از دیوان شمس مولانا (غزل 14 بیت شماره 1826) ، می گوید برداشت بارکسی از شعرهای مولانا به سبب شناخت نداشتن او از اسلام رنگ و بوی شهوانی گرفته و خنده‌آور شده است (صالح جو، 1323 هـ: 61-62).

از نکاتی دیگر که مترجم در هنگام ترجمه باید متوجه آن بشود؛ واژگان مترادف و عبارت‌های هم معنا که تفاوت‌های جزئی دارند یا ممکن است بار عاطفی متفاوت باشند ، بویژه که در این تفاوتها به یک ذهن تند ، منتقد، باریک بین و حساس به زبان نیاز دارد. این ضرب المثل بین مترجمان رایج است که ((لغات همانند یک دسته کلیدی هستند که بعضی از آنها به هیچ وجه در قفل نمی روند، پاره‌ای به قفل می خورند ولی کاری از آنها ساخته نیست در میان آنها یک کلیدی است که در قفل براحتی می لغزد و آن را می گشاید)) (صفا زاده، 1384: 21). و این کلید همان لغتی است که از صافی تفاوت‌های جزئی رد شده و حضور ذهن و حساسیت ادبی مترجم در مرحله عبور در کار بوده است. مواردی هست که کلمه مفهوم را می رساند ولی در حوزه‌ای که ویژگی دارد بکار نرفته ، مثلا واژه‌های (راعنا) ، و (انظرنا) در آیهء قرآنی زیر : ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمِعُوا لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ)) بقره : 104 تا حدی در استعمالات رایج مترادفانند ؛ ولی واژه (راعنا) بار عاطفی منفی، و واژه (انظرنا) بار عاطفی مثبت دارد . از این رو خدای متعال ، مسلمانان و مؤمنان را از به کار بردن واژه (راعنا) بر حذر میدارد. (نقی زاده، 1391 هـ: 84)

واژه‌هایی دیگر مانند (مهرآمیز، دوستانه ، عاشقانه) مفاهیمی نزدیک بهم هستند ، اما از آنجا که کلمات از لحاظ مفهوم عاطفی، اخلاقی، شدت و ضعف و وسعت کاربرد یکی نیستند ، هرگاه بجای یکدیگر بکار روند این تفاوت آشکار می شود. یا دو واژه (پیر) ، و (فرسوده) مترادف هستند ؛ اما جای گزین یکدیگر نمی شوند ؛ چنان که می توانیم بگوییم : انسان پیر و خودروی فرسوده ؛ ولی هرگز نمی گویم: خودروی پیر و انسان فرسوده (نقی زاده، 1391 هـ: 84). مثال های زیر، تفاوت های بار عاطفی بین برخی عبارت ها را نشان می دهد:

الف: رسمی مذهبی: التحق بالرفیق الأعلى ؛ به ملکوت اعلا پیوست.

ب: رسمی اداری: فی ذمة الخلود ؛ به رحمت ایزدی پیوست.

ت: رسمی: انتقل إلى رحمة الله ؛ به رحمت خدا پیوست.

ث: عادی: توفی؛ درگذشت.

ح: عامیانه: مات؛ مرد.

خ: محاوره‌ای مؤدبانه: البقاء فی حیاتک؛ عمرش را به شما داد.

ج: توهین آمیز: هلك؛ به درک واصل شد؛ به هلاکت رسید (ناظمیان، 1387 هـ ش: 35-37).

از همهء حرفهائی که راندیم می توان گفت مترجم مناسب نه تنها باید از عهدهء ترجمهء

متن برآید، بلکه باید توانایی داوری در بارهء نتیجهء کار خود را هم داشته باشد. نشانندن

مکانیکی واژه‌های زبان مقصد به جای کلمات و اصطلاحات زبان مبداء، تنها نیمی از فرآیند

ترجمه است. مترجم با بازخوانی ترجمه باید بتواند تشخیص بدهد آنچه برگردانده است چه

طنینی در گوش خوانندهء زبان مقصد خواهد داشت. آیا لحن راوی در ترجمه، مشابه لحن راوی

در زبان اصلی است؟ آیا سبک کار حفظ شده است؟

آیا مترجم توانسته است روح اثر را هم به زبان مقصد منتقل کند؟ (امامی، 1985 م: 109).

مترجم زبردست باید همه این سؤالات را مورد نظر و اهتمام و رعایت داشته باشد.

مطلب چهارم: ترجمه عنوان کتاب

ترجمه عنوان کتاب بر عکس تصور بسیاری از افراد، باید پس از ترجمهء متن کتاب می

باشد، چون ترجمهء عنوان کتاب‌ها همین طور ابتدا به ساکن، برای کسی که با موضوع کتاب

آشنا نباشد، از مقولات بسیار دشوار ترجمه محسوب می شود و ای بسا به گم شدن مترجم در

پس کوچه‌های ابهام منجر گردد (امامی، 1985 م: 277).

کاسم لطفی پور ساعدی مترجم سرشناس ایرانی در این زمینه می گوید: ((

ترجمهء عنوانات گاهی پیش از خواندن تمام کتاب غیر ممکن است زیرا مفهوم مربوطه تنها

پس از خواندن کتاب متبلور می شود. وظیفهء مترجم این است که قبل از اقدام به ترجمهء

عنوانات، کتاب را به دقت مطالعه کند و برای عنوان با توجه به ویژگیهای زبانی مربوطه

و ترفندهای به کار رفته در آن معادل مناسب و دقیقی پیدا کند)) (سعدی، 1371 هـ ش: 184).

گاهی عنوان کتاب معمولاً به صورت لفظ به لفظ ترجمه می شود. از آنجا که هر کتاب

در زبان مبدأ با نامی بر آن گذاشته شده شناخته می شود، در زبان مقصد غالباً همان عنوان به

صورت لفظ به لفظ، ترجمه می شود تا هویت اصلی کتاب، حفظ شود (ناظمیان، 1387 هـ ش:

115). نمونه‌های زیر لفظ به لفظ ترجمه شده است:

الایام / آن روزها. (طه حسین).

قصتي مع الشعر/ داستان من و شعر. (نزار قباني).

يوميات نائب في الأرياف / یادداشتهای یک دادستان از روستاها. (توفيق الحكيم)

اما اگر عنوان کتاب به گونه‌ای باشد که ترجمه لفظ به لفظ آن نارسا و مبهم یا طولانی به نظر آید، مترجم می‌تواند آن را به صورت ارتباطی ترجمه کند. در ترجمه ارتباطی عنوانات، مترجم عنوان کتاب را با توجه به محتوا و فضای کلی آن ترجمه می‌کند، به طوری که عنوان در عین حال که موجز است نشان دهنده مطالب و موضوعاتی باشد که در کتاب مطرح شده است. البته اگر کتاب قبلاً ترجمه شده و در زبان مقصد با آن عنوان شناخته شده و آوازه‌ای پیدا کرده است و مترجم به دلیل نادرست بودن یا روان نبودن نثر ترجمه، ضرورت ترجمه دوباره کتاب احساس کرده، بهتر است از همان عنوان برای ترجمه خود استفاده کند. مگر آنکه ترجمه قبلی عنوان را نادرست و نامناسب بداند که در این صورت، عنوان مناسب و شایسته‌ای برای آن برمی‌گزیند (ناظمیان، 1387 هـ.ش: 115-116). نمونه‌های زیر را به صورت ارتباطی ترجمه شده است:

منشورات فدائیه علی جدران اسرائیل/ خوشه‌های خشم (نزار قباني).

في الشعر الجاهلي / شعر جاهلی در میزان (طه حسین).

نکته آخر در این میان که برای رسیدن به حد اکثر دقت در ترجمه داریم مته به خشخاش می‌گذاریم، فراموش نکنیم که عنوان کتاب پس از ترجمه باید عبارت قشنگ و پرکششی باشد که ناشر بپسندد و خواننده را جلب کند؛ و همین به ما جوازی برای آزادی عمل می‌دهد. ولی عنوان کتاب را هر چه بگذاریم، عنوان اصلی و ترجمه دقیق آن را باید در صفحه‌های شناسنامه کتاب درج کنیم (امامی، 1985م: 230).

یاد ذکر است که گاه ترجمه‌کننده عنوانی برای اثر می‌گذارد که ویراستار یا ناشر آن را نمی‌پسندد. رسیدن به توافق بر سر این موضوع گاه خیلی سخت و دشوار است. یک بار ناشری به (گراهام گرین) پیشنهاد کرد عنوان رمانش (سفرهایم به خاله جان) را تغییر دهد تا او بتواند آن را منتشر کند. (گرین) در یادداشتی کوتاه به او می‌نویسد، ((عوض کردن ناشر آسان تر از عوض کردن عنوان است)) (صالح جو، 1323 هـ.ش: 123).

مطلب پنجم: ویرایش کتاب

ویرایش و همخوانی‌های (ویراستن، ویراستار، ویراستاری، ویرایشگری، ویرایش کردن، ویراستاری کردن، ویرایشگری کردن و... غیره) کلمه‌ای نو پدید است، اما مصداق آن

دست کم به تاریخی هزار ساله دارد(خرمشاهی، 1391 هـ: 152). یعنی در قرن سوم و چهارم هجری در سازمان فرهنگی و دار الترجمه و کتابخانه عظیم (بیت الحکمة) که برجسته ترین مترجمانی آن روز، متون علمی و فلسفی را مستقیماً از یونان، یا با واسطه ترجمه سریانی، به عربی ترجمه می کردند، ضرورت تهذیب، و اصلاح، و مقابله، و تصحیح همه یا اغلب متون پیش آمده بود، و عده‌ای از زبان‌دانان و مترجمان به ویرایش متون ترجمه شده یا انتخاب متون برای ترجمه می‌کوشند(معروف، 1380 هـ: 12).

گفته‌اند ترجمه فرایند ناتمام است، از این جهت هر نوشته باید از جنبه‌های گوناگون محتوا، بیان، دقت، نظم آراستگی، علائم نگارشی و دستوری بازبینی می‌شود. مترجم باید در این مرحله خطاهای دستوری، عبارات و کلمات زائد و مکرر و عبارتهای بی شیرازه و پریشان را سامان دهد؛ زیرا اگر زبان متن، شکلی آراسته و بیانی متناسب نداشته باشد، بی تأثیر خسته کننده خواهد بود(ناظمیان، 1387 هـ: 14).

از آنجا که ممکن است مترجم متن را به طور تدریجی و در موقعیتهای مختلف ترجمه کند، این نگرانی وجود دارد که در این بیان سبک نویسنده در تمامی مراحل ترجمه موفق نباشد. ویرایش متن از نظر سبک، این امکان را به مترجم می‌دهد که سبک نوشتار را در کامل اثر بازبینی کرده و یکسان سازد(ناظمیان، 1387 هـ: 14). هنگامی که ترجمه کتابی را کامل و پایان یافته می‌دانیم، کافی است آن را کنار بگذاریم، و بعد از یک یا چند روز دوباره، به قصد یافتن سهوهای احتمالی، با حوصله آن را بخوانیم. به ندرت پیش می‌آید بدفهمی، سهو یا دست کم اصلاح استحسانی در آن نیابیم(رشیدی، 1398 هـ: 16).

بنا بر این اگر، بخواهیم ترجمه مان را هر چه پاکیزه تر کنیم، می‌توانیم آن را یکی دو باره مرور کنیم. اگرچه در این مرورها، به احتمال زیاد، به مواردی اصلاحی یا دست کم تغییرات سلیقه‌ای بخواهیم خورد، احتمال دارد باز هم اشکالها را نبینیم. علت این امر آن است که سهوها یا اشتباهات ما غالباً به چشم خود ما نمی‌آیند. به عبارت دیگر، ما آنها را درست می‌بینیم. برای رفع این مشکل، باید همین کار را از فردی دیگر بخواهیم، که آن را ویراستار بخوانیم (صالح جو، 1323 هـ: 166).

چیز مهمی اینجا احتیاج به توضیح و بیان دارد نقش ویراستار است که او درست مانند مترجم باید با وظایف و شرایط و ویژگی‌های مخصوصی برخوردار باشد که آن را به نکات زیر خلاصه می‌کنیم:

- 1- ویراستار متون ترجمه شده، در درجه اول باید زبان ترجمه را، و به تعبیر کاملتر زبان مبدأ و مقصد، و موضوع ترجمه را در حد مترجم بدانند (خرمشاهی، 1391 هـ: 153).
- 2- هر مهارت و فن و صنعت را که از مترجم انتظار داریم باید ویراستار آنها را هم بدانند.
- 3- شرط است که ویراستار در عین داشتن دانشهای لازم، فن ویرایش را هم عملاً – عملاً آموخته باشد. و این را بوسیله شرکت در دوره‌های ویراستاری که از سوی بعضی از نهادها برگزار شود فرا می‌گیرد.
- 4- ویراستار باید همه اشتباهات علمی، انشایی (مربوط به نگارش یا نثر ترجمه)، املائی یعنی مربوط به رسم الخط را به وفق شیوه نامه‌ها از جمله دستور خط و فرهنگ املائی بر طرف سازد.
- 5- بهتر سازی نثر ترجمه‌ها اگر نظر آسان بنماید، در عمل دشوار، و حتی در مواردی چون ضعف عمومی نثر، بسیار دشوار است. دگرگون سازی نثر ترجمه جز در مواردی که مترجم روش افراطی دارد (یعنی یا سره گرا، یا عربی گرا، یا فرنگی گرایانه است) فقط محدود به اصلاح خطاها، از جمله رفع غلطهای مشهور می‌شود. در موارد افراط گرایانه هم مترجمی که چنین نثری دارد، غالباً نسبت به حفظ آن تعصب دارد هر حال، دگرگون سازی یعنی معیارین سازی نثر ترجمه باید با توافق و تفاهم با مترجم صورت گیرد، وگرنه با مخالفت و مقاومت او رو به رو خواهد شد. اینکه برخی از ویراستاران، نثر همه آثار را به سبک نثر خودشان در می‌آورند، کاری نادرست و بی‌حکمتی است. اصولاً ویرایش نباید سلیقه‌ای باشد، یا باسلیقه‌های معتدل مترجم، کار داشته باشد.
- 6- بهتر است- بعضی‌ها می‌گویند لازم است- که مترجم و ویراستار در آغاز کار با هم آشنا شوند. و پیش از آن ویراستار، اثر را به دقت بازبینی کرده باشد و فهرستی از کارهایی را که می‌خواهد و می‌باید بر روی آن انجام دهد برای بحث و توافق به نظر مترجم برساند. نیز لازم است در همان جلسه معارفه، یا دیدار بعدی یک فصل/ بخش از کار را که طبق صلاح دید خود و خورند کار ویراسته است، به مترجم عرضه کند. یعنی در اهم مسائل ویرایش آن اثر، به این ترتیب میان آنان تفاهم و توافق برقرار شود. (خرمشاهی، 1391 هـ: 154).
- 7- از دیگر وظایف مستحب ویراستار، قبول یک دور نمونه خوانی اثری است که ویراسته است. سزاوار نیست که ویراستار حرفه‌ای، شأن خود را از نمونه خوانی اجل بشمرد. زیرا در بسیاری موارد اگر چنین کاری را وظیفه خود نداند، یا داوطلبانه (و در ازاء دستمزد بیشتر)

آن را عهده دار نشود، حاصل زحمت ویراستاری‌اش بر باد می‌رود یا آسیب می‌بیند (خرمشاهی، 1391 ه‍.ش: 157).

مطلب ششم: انتخاب ناشر

مترجم پس از ترجمه کتاب باید سعی کند ناشر خوبی را پیدا کند و با او پیمان نشر کتاب امضا کند. مقصود از ناشر خوب این است که کسی که با مترجم رفتاری پدرانیه داشته باشد، و در پرداخت حق الترمیم حتی پیش دستی کند و در بحران‌های زندگی یار و یاور مترجم باشد. و ناشری که ناشر باشد، سعی می‌کند کتاب بد به بازار نفرستد. بنا بر این ناشر باید قبل از آنکه اقدام به نشر ترجمه کند؛ آن را خودش یا کارشناسانش محک می‌زنند و اگر اشکال داشت، آن را به دست ویراستار می‌سپارند، و اگر اشکالات کتاب آن قدر زیاد بود که با ویرایش هم رفع نمی‌شد، آن را به مترجم برمی‌گردانند، و نام نیک خود را خراب نکنند. مترجمان و ناشران، خوب یا بد، در چرخه نشر مکمل یکدیگرند و برای وجود یک ادبیات سرزنده و بانشاط، که مشوق کتابخوانی باشد، وجود هر دو گروه در کنار یکدیگر لازم است. هر دو باید در کار خود قابلیت‌های مطلوب را داشته باشند و هماهنگ با یکدیگر پیش بروند (امامی، 1985م: 75). در پایان کتاب خوب، و ویراسته و خوش‌خوان را ناشران خوب و توانا منتشر می‌کنند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت چنین بر می‌آید که :

- ترجمه مانند هر فعالیت ادبی دیگر باید طبق مرحله‌هایی یا با گام‌های مرتب و یکی پس از دیگری انجام شود و الا کار کم اهمیت و بی‌فایده‌ای بزرگ خواهد بود.
- مهمترین گام‌های عملی ترجمه حرفه‌ای عبارتند از:
 - الف: انتخاب کتاب که طی آن مترجم باید متوجه موضوع کتاب و ترجمه نبودن آن توسط یک مترجم دیگر.
 - ب: گرفتن اجازه از صاحب اثر یا از ناشر آن است و این یک گام مهمی برای هر مترجم است چون وقتی ترجمه مجاز باشد، نه تنها صاحب اثر موظف است مشکلات مترجم را رفع کند، بلکه ناشر نیز آماده خواهد بود اصل مواد تصویری کتاب یا نسخه بدل فیلم اُفت آن را در اختیار ناشر ترجمه مجاز قرار دهد تا کیفیت چاپ تصاویر ترجمه نیز در حد چاپ تصاویر اصل کتاب باشد.

ت: شروع به ترجمه کتاب است که مترجم در این گام باید تمام متن کتاب را بخواند و توانائی‌های خود را در ترجمه آن بسنجد سپس باید روش خود را در ترجمه انتخاب کند، و سبک و لحن نویسنده را در هنگام ترجمه حفظ کند.

ث: ترجمه عنوان کتاب باید پس از ترجمه تمام متن کتاب صورت گیرد چون ترجمه عناوات گاهی پیش از خواندن تمام کتاب غیر ممکن است زیرا مفهوم مربوطه تنها پس از خواندن کتاب متبلور می شود، یعنی ترجمه عنوان کتاب گام چهارم محسوب می شود.

ج: ویرایش از حساس‌ترین گام‌های ترجمه به شمار می رود، و هر ترجمه‌ای حتی با وجود مترجم آشنا و استاد، نیازمند ویرایش است.

د: انتخاب ناشر مترجم پس از ترجمه کتاب باید سعی کند ناشر خوبی را پیدا کند و با او پیمان نشر کتاب امضا کند. مقصود از ناشر خوب این است که کسی که با مترجم رفتاری پدرا نه داشته باشد، و در پرداخت حق التّرجمه حتی پیش دستی کند و در بحران‌های زندگی یار و یاور مترجم باشد. و ناشری که ناشر باشد، سعی می کند کتاب بد به بازار نفرستد.

منابع فارسی

1. امامی، کریم، از پست و بلند ترجمه (ج 1)، تهران: نیلوفر، 1985.
2. اوستینوف، میشیل، ترجمه فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی، تهران، قطره، 1390 هـ.ش.
3. پورجوادی، نصر الله. در باره ترجمه، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1366 هـ.ش.
4. حسن، محمد عبد الغنی، فن ترجمه در ادبیات عربی، مترجم: محمد عرب، مشهد، استان قدس رضوی. 1376 هـ.ش.
5. حسین، هژیر نژاد. (بی تا). آیین ترجمه.
6. خرمشاهی، بهاء الدین، ترجمه کاوی، چاپ دوم، تهران، انتشارات ناهید، 1391 هـ.ش.
7. خزاعی فر، علی. ترجمه متون ادبی، چاپ هفتم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، 1388 هـ.ش.
8. رشیدی، غلام رضا، ترجمه و مترجم آموزش اصول و قواعد اساسی ترجمه، چاپ نهم، مشهد، چاپ و انتشارات استان قدس رضوی، 1398 هـ.ش.
9. ساعدی، لطفی پور، در آمدی به اصول و روش ترجمه چاپ هشتم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1371 هـ.ش.

10. صالح جو، علی. از گوشه وکنار ترجمه، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز، 1323 هـ.ش.
11. صالح جو، علی. گفتمان و ترجمه، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، 1377 هـ.ش.
12. صفارزاده، طاهره. اصول و مبانی ترجمه تجزیه و تحلیل از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، چاپ هشتم، تهران، پارس کتاب، 1384.
13. معروف، یحیی. فن ترجمه اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی، چاپ اول، تهران، 1380 هـ.ش.
14. ناظمیان، رضا، روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی، چاپ پنجم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، 1387 هـ.ش.
15. نقی زاده، سید علی، کارگاه ترجمه عربی به فارسی همراه بانکات نگارشی و ویرایشی، چاپ اول، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. 1391 هـ.ش.

منابع عربی

الصفدي؛صلاح الدين. الغيث المسجم في شرح لامية العجم (المجلد 3). بيروت: دار الكتب العلمية، 2003م.

Persian sources

1. Imami, Karim, az pust w boland Tarjmah , Dodge, Niloofar Publications, Tehran, Jab First -1985, p. 66.
2. Ostinov, Michel, Tarjmah, Translated by Dr. Fatima Mirza Ibrahim, Tehran, Qatar Press, 2011, p. 64.
3. Pourjavadi, Nasrallah, Dar bar Tarjmah , University Publishing Center, Tehran-1366, Second Edition, p.
4. Hossein Hajirnejad, Aien Tarjmah , p. 29 (without mentioning year and place of publication).
5. Hassan, Muhammad Abdul Ghani, Fan AL- Tarjmah Dar Adabiat Arabi, (Abbas ,Arab) , Mashhad , Astan Qods Razavi.
6. Khorramshahi, Baha'uddin, Tarjmah Kavi, Nahid Publications, Tehran, Second Edition, 2012, p. 107.
7. Khazaei Far, Ali, Tarjmah Mutun Adaby, University of Humanities Textbooks (Position) Research and Translation Center for Humanities Development, Tehran-2009, 7th Edition, p. 61.

8. Rashidi, Gholamreza. Tarjmah w Mutargim Amozish Asol W Cavad Asasy Tarjmah , Astan Quds Razavi Publishing center, Mashhad, Ninth Edition, 2010, p. 16.
9. Saleh Jo, Ali, Guftman w Tarjmah, Tehran, Margaze Publishing p. 51.
10. Saleh Jo Ali, Az Gusha W Gnare Tarjmah , Center Publication, Tehran-1983, Second Edition, p. 55.
11. Saffarzadeh, Tahereh: ASol w Mabany Tarjma, Pars Ketab, Tehran-2005, Eighth Edition, p. 21.
12. Lotfi Pour Saedi, Kazem, Deramede b -asol W Ravish Dar Tarjma, University of Maragheh Publishing, Tehran, Eighth Edition, 1992, p. 178.
13. Mohammad Abdul Ghani Hasan, Fan Tarjma Dar Adabiat Arabi, Translated by Abbas Arab, Mashhad, Quds Razavi Province, 1997, p. 42
14. Nazemian, Reza, Ravishhaie Der Tarjma from Arabic to Persian (with idioms and idioms), Position, Tehran-2010, Fifth Edition, pp. 35-37.
15. Naqizadeh, Sayyed Ala, , Cargahe Targma Arabic-Farsi Hamrahbinucat nigarishe w Vairaishe, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute, 2012, first edition, p. 84.

Arab sources

Al-Safadi, Salah Al-Din, Al-Ghaith Al-Masjam Fi Sharh Lamy Al-Ajam, Third Edition, Dar Al-Kutub Al-Alami, Kh1, Beirut 2003., p. 79.

About the author

NS. Mahdi Ahmed Hussein Al-Tai. Bachelor of Languages, Department of Persian Language,
Place of work: Presidency of the University of Diyala, Department of Administrative and Financial Affairs, and a lecturer in the College of Science at the same university.
Email: malzawy948@gmail.com

الخطوات العملية للترجمة المهنية

م : مهدي أحمد حسين الطائي
رئاسة جامعة ديالى / قسم الشؤون الإدارية

خلاصة البحث

البحث الحالي هو محاولة متواضعة لتقديم دراسة علمية توضح أهم الخطوات التي يجب على كل مترجم اتباعها ليصل إلى ترجمة دقيقة وصحيحة للنص الذي يقوم بترجمته من لغة المبدأ إلى لغة المقصد. وقد تضمن البحث ستة مطالب رئيسة أسهمت بمجموعها في تقديم صورة واضحة عن الترجمة المهنية لأي نص.

ومن أهم النتائج التي توصل إليها البحث ، أنّ الترجمة العملية المهنية شأنها شأن أي فعالية أدبية أخرى ؛ لا بد أن تسير متسلسلة يتبع بعضها الآخر ، يمكن تلخيصها بالآتي : (اختيار الكتاب ، الحصول على موافقة صاحب الكتاب ، البدء بترجمة متن الكتاب ، فهم عنوان الكتاب بشكل دقيق ، تنقيح المتن المترجم ، وأخيرا اختيار دار نشر جيدة وقيمة لنشر الكتاب المترجم) ، حتى تصبح الترجمة ذات قيمة علمية، وإلا فإنها ستكون قليلة الفائدة، و عديمة الأهمية .

الكلمات المفتاحية : الخطوات العملية، الترجمة المهنية، اختيار الكتاب، التنقيح، ترجمة العنوان